



یکی مثل ما

ضمیمه نوجوان

شماره ۳۳ ■ ۸ آبان ۱۳۹۹



محمد امین
احدی

گفت و گو با آراین غلامی یکی مثل ما که افتخار همه ایران شد

استاد بزرگ

جمع‌مون جمع بودو به قول معروف گلمون کم! آراین قهرمان ملی شطرنج ایران، هنوز نیومده بود و ما هم دل توی دلمون نبود بیا دوا این کیک رو ببره که به دلی از عزادری داریم. با اون چشمکی که کیک روز نوجوان می‌زد باید هم فکر مصاحبه نباشی! بالاخره پسره و همین شیکمو باز باش دیگه! مصاحبه رو که خوندین تو صفحه روبه رو پشت صحنه مصاحبه رو هم ببینید.

«ای دستم بشکنه!»

میگن خدا گرز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری و اینا، دقیقاً نقطه شروع آراین از شکستن دستش توی کلاسای ژیمناستیک شروع شد، طبیعتاً تاشیش ماه هم نمی‌تونست ورزش کنه، دیوار به دیوار کلاس ژیمناستیکشون به کلاس شطرنج برگزار می‌شد و چی بهتر از این که شطرنجای تفریحی با باباش روحاً تخصصی ترادامه بده. بعد از چند ماه حسابی آراین گل کرد و وارد مسابقات جدی داخلی و خارجی شد و تازه معلوم شد آقا استعدادش توو چیه! اون زمان آراین فقط ۶ سالش بود و حتی دستش به میز هم نمی‌رسید و باید چندتا صندلی رو روی هم می‌داشت و گاهی به حریف می‌گفت مهره ش رو جابه جا کنه! (اینجا بود که همه ترکیدم)

«فلفل نبین چه ریزه!»

خانواده و دوست و آشنا آراین رو آدمی می‌بینن که خیلی آرومه و با چیزی کار نداره. کلاً سرش به کار خودش و آزاری به کسی نمی‌رسونه! یعنی از تک فرزند بعیده انقدر آقا و آروم باشن. ولی آراین می‌گه در عین حال خیلی خون گرمه و نگم براتون که آخر مصاحبه چجوری و چقدر صمیمی و باحال بود و چقدر با اون پسر متواضع و کم حرف اول فرق می‌کرد. (البته چشم نخوریم! جمع صمیمی تحریریه نوجوانه اصلاً بی‌تاثیر نیست!)

«اوقات فراغت آقای استاد بزرگ!»

از آراین که درباره اوقات فراغتش پرسیدیم گفت: کنار تمرین شطرنج و اردوها و مسابقات اونم از راه دور و با لپ‌تاپ، با این وضع کرونا «فقط» می‌تونم با پدرم توی خونه پینگ‌پنگ بازی کنم. بعد که جمله‌ش رو ادامه داد و گفت زبان روسی و انگلیسی هم داره می‌خونه و گاهی هم سری به کتاب و فیلمای مختلف می‌زنه فهمیدیم احتمالاً معنی عبارت «فقط» رونمی‌دونه، یا اگر کرونا نبود قرار بوده کولاک کنه چون ما همین نوجوانه رو هم هفته به هفته تولید می‌کنیم کلی خسته می‌شیم! آراین توی کتاب خوندن عجوله، یعنی اگر همون دو خط اول جذاب نباشه کتاب رو می‌ذاره کنار! الانم مثل این که مشغول دیدن سریال آفازاده ست و یکی از طرفدارای پروپاقرص سریال گاندو بوده که حتی تکرارشم می‌دیده!

«خوب کردی!»

رشته آراین تجربی بوده و دیپلمشم داره. رویای آراین درباره آینده رشته تحصیلیش اینه که به دندون پزشکی خوب بشه ولی هنوز کنکور شرکت نکرده. تا این رو گفت جمیعاً تشویقش کردیم و گفتیم خوب کردی! اما بعد از این سوال بحث رشته تحصیلی و شطرنج و اولویت بندی انقدر داغ شد که داشت به دعوا و بزن بزن هم می‌رسید. که دبیر تحریریه محترم با این سوال که اگر بفرض محال، یکی رو بخوای انتخاب کنی و بگن دیگه سمت اون علاقه دیگه ت نمی‌تونی بری چیکار می‌کنی، آراین رو به این نتیجه رسوندن که بازم اولویتش شطرنجه!

«از پیگیری‌های آقا

تا دیدار با حاج قاسم

من هیچی نمی‌گم این قسمت رو از زیون خود آراین بخونید:

ساعت دوازده و نیم ظهر تازه فهمیدم که قراره ساعت یک با حاج قاسم دیدار کنم، خیلی حس

خوبی بود، واقعا نماد یک مرد همه چی تموم بود. صبحی که خبر روشنیدم هند بودم و هم اتاقیم یک آمریکایی بود. اون روز فقط به انگشترم نگاه می‌کردم و درکش برام سخت بود. یادمه حاج قاسم توی اون دیدار بهم گفتند: «کاری که تو انجام دادی کمتر از مجاهدین ماتو میدون مبارزه نیست». این حرف کار رو برام سخت کرد و واقعا. اون روزی هم که با آقا دیدار داشتم خیلی برام عجیب و شگفت انگیز بود. یکی از مدالام رو برده بودم که تقدیم ایشون کنم ولی از شدت ذوق دیدار ایشون یادم رفت کلاً. من بعد از مسابقه ندادن با حریف اسرائیلیم از تیم ملی خط خورده بودم و اولین جمله آقا این بود: «به تیم ملی برگشتید ان شاء...؟» این حجم از پیگیری بودن ایشون من رو واقعا شوکه کرد! آخر هم بهم گفتن: «شما سرمایه این کشورین!»

«تنها نرووووو، این راه رفتن نیست!»

آراین توی صحبتاش درباره تنهایی سفر کردن اونم از هشت سالگی گفت. اوایل شروع شطرنج و مسابقات خارجی اونم توی شیش سالگی با مادرش سفر می‌کرد اما توو یکی از سفرها که به مادر ویزا ندادن دیگه خانواده هم به سفرای تنهایی آراین عادت کردن و از اون به بعد دیگه بدون همراه و با سهمیه فدراسیون مسابقات خارجی رو شرکت می‌کرد! (ماتاسرکوپه بخوایم بریم باید ده سوال آگزینه ای دره ۶ ثانیه جواب بدیم!)

«تاپ‌تن!»

آدم هر چقدر جلومی‌ره اهداف و رویاهاش تکمیل و بزرگ ترمی شه، اولین هدفی که آراین داشت، استاد بزرگی شطرنج بود و حالا آرزو داره جزده شطرنج باز اول دنیا بشه. آرزو هم که بر جوانان و نوجوانان عیب نیست و ما هم براش دعا می‌کنیم رو وسفیدمون کنه. گرچه که با این وضع فدراسیون شطرنج که هشت ماهه رییس و مربی نداره معلوم نیست این آرزو کی محقق بشه!

«تصمیم‌گیری در هشت دقیقه!»

آراین وقتی شناخته تر شد که توو مدت چند دقیقه باید تصمیم می‌گرفت با حریف اسرائیلیش بازی کنه یانه!

شاید خیلی‌ها بگن که توحق انتخاب داشتن یاتیکه بارونش کنن که فدراسیون بهت گفت بازی نکن و... ولی اونی تصمیم خود خود آراین بود. اونم توو سفری که اصلاً نماینده‌ای از فدراسیون همراهش نبود و باید به فکرو درون خودش رجوع می‌کرد، بماند که این تصمیمش باعث چه هجمله‌هایی از طرف دوست و آشنا شده ولی نکته جالب اون دوره از مسابقات این بود که حریف اسرائیلیش سوم شد و خودش دوم!

«والسلام»

آراین معتقد مهاجرت بعضی ورزشکارا هم برمی‌گرده به خود بازیکن و هم به فدراسیون. بعضی‌ها حمایت می‌شن و با نامردی می‌رن ولی بعضی‌ها واقعا حمایت نمی‌شن و وقتی هم که مهاجرت می‌کنن و جذب تیم‌های خارجی می‌شن واقعا فقط بازی می‌کنن و وارد حواشی نمی‌شن! آخرین سوالمون ازش این بود که اگر توی مسیر ه نفر اول شطرنج دنیا بازم به به اسرائیلی بخوری چیکار می‌کنی و با جوابی که داشت تکبیر گویان به مصاحبه خاتمه دادیم: ان شاء... تا اون موقع دیگه همچین دولتی وجود نداره!